

شناخت، رفتار، یادگیری

پیش‌بینی قصد کارآفرینی بر اساس خودکارآمدی شغلی با نقش میانجی هوش معنوی دانش‌آموزان متوسطه دوم

اکرم معارف وند^۱، عبدالله شفیع‌آبادی^{۲*}، کیانوش زهراکار^۳

۱. گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: shafiabady@atu.ac.ir

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی قصد کارآفرینی بر اساس خودکارآمدی شغلی با نقش میانجی هوش معنوی دانش‌آموزان متوسطه دوم بود. پژوهش به لحاظ نوع هدف، کاربردی؛ به لحاظ نوع داده، کمی؛ به لحاظ نوع طراحی (ماهیت)، توصیفی تحلیلی با رویکرد همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر قم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند که ۵۰۰ پاسخ‌دهنده با استفاده از محاسبه حداقل حجم نمونه در مدل‌سازی معادلات ساختاری و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد قصد کارآفرینی لیان و چن (۲۰۰۹)، خودکارآمدی شغلی ریگر و نایت (۱۹۹۴) و هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) استفاده شد. به‌منظور محاسبه روایی از روایی محتوایی (فرم‌های لاوشه) و سازه شامل روایی همگرا ($AVE < 0.5$) و روایی واگرا ($MSV < AVE$, $ASV < AVE$, $HTMT < 0.85$) و همبستگی برای محاسبه پایایی داخلی شامل ضرایب آلفای کرونباخ، ترکیبی و اومگای مک‌دونالد استفاده شد (α , CR , $\omega > 0.7$) که با توجه به یافته‌ها، پرسشنامه‌های پژوهش از روایی و پایایی لازم برخوردار بود. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که اثرات مستقیم خودکارآمدی شغلی ($\beta = 0.64$ و $sig = 0.001$) بر روی قصد کارآفرینی معنادار است. همچنین نتایج نشان داد که هوش معنوی در رابطه بین خودکارآمدی شغلی ($\beta = 0.53$ و $sig = 0.001$) با قصد کارآفرینی نقش میانجی و معنادار دارد. همچنین مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود ($SRMR = 0.05$ ، $RMSEA = 0.03$ و $p < 0.05$) و ۷۳ درصد از واریانس قصد کارآفرینی تبیین می‌شود. در نهایت با توجه به یافته‌های این پژوهش و نقش خودکارآمدی شغلی و هوش معنوی بر قصد کارآفرینی استفاده از نتایج این پژوهش برای ارتقاء قصد کارآفرینی در دانش‌آموزان متوسطه دوم پیشنهاد می‌شود. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی در طراحی برنامه‌های جامع و مؤثر برای پرورش کارآفرینی در نسل جوان یاری رساند.

کلیدواژه‌گان: قصد کارآفرینی، خودکارآمدی شغلی، هوش معنوی.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



شیوه استاندارد: معارف وند، اکرم، شفیع‌آبادی، عبدالله، و زهراکار، کیانوش. (۱۴۰۳). پیش‌بینی قصد کارآفرینی بر اساس خودکارآمدی شغلی با نقش میانجی هوش معنوی دانش‌آموزان متوسطه دوم. شناخت، رفتار، یادگیری، ۱(۳)، ۱۶۱-۱۴۶.

Predicting Entrepreneurial Intention Based on Job Self-Efficacy with the Mediating Role of Spiritual Intelligence among Upper Secondary School Students

Akram Maarefvand¹, Abdollah Shafiabadi^{2*}, Kianoush Zahrakar³

1. Counseling Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran

3. Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: shafiabady@atu.ac.ir

Submit Date: 2024-11-09

Revise Date: 2024-11-29

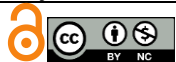
Accept Date: 2024-12-14

Publish Date: 2024-12-20

Abstract

The present study aimed to predict entrepreneurial intention based on job self-efficacy, considering the mediating role of spiritual intelligence among upper secondary school students. In terms of purpose, the research was applied; regarding data type, it was quantitative; and in terms of design (nature), it was descriptive-analytical with a correlational approach. The statistical population included all upper secondary school students in Qom city during the 2023–2024 academic year. A sample of 500 respondents was selected using the minimum sample size calculation in structural equation modeling and a multistage cluster random sampling method. Data collection utilized standardized questionnaires: the Entrepreneurial Intention Questionnaire by Liñán and Chen (2009), the Job Self-Efficacy Scale by Riggs and Knight (1994), and the Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI-24) by King (2008). To assess validity, content validity (Lawshe's method) and construct validity, including convergent validity ($AVE > 0.5$) and discriminant validity ($MSV < AVE$, $ASV < AVE$, $HTMT < 0.85$), were employed. Internal consistency reliability was evaluated using Cronbach's alpha, composite reliability, and McDonald's omega coefficients (α , CR , $\omega > 0.7$). Findings indicated that the research instruments possessed acceptable validity and reliability. Data analysis was conducted using Pearson correlation and structural equation modeling. The results demonstrated that the direct effect of job self-efficacy ($\beta = 0.64$, $p < 0.001$) on entrepreneurial intention was significant. Additionally, spiritual intelligence played a significant mediating role in the relationship between job self-efficacy ($\beta = 0.53$, $p < 0.001$) and entrepreneurial intention. The research model exhibited a good fit ($RMSEA = 0.03$, $SRMR = 0.05$, $p > 0.05$), explaining 73% of the variance in entrepreneurial intention. Based on these findings, it is recommended to utilize the results of this study to enhance entrepreneurial intention among upper secondary school students. Furthermore, the outcomes can assist educational policymakers in designing comprehensive and effective programs to foster entrepreneurship in the younger generation.

Keywords: *Entrepreneurial Intention, Job Self-Efficacy, Spiritual Intelligence.*



How to cite: Maarefvand, A., Shafiabadi, A., & Zahrakar, K. (2024). Predicting Entrepreneurial Intention Based on Job Self-Efficacy with the Mediating Role of Spiritual Intelligence among Upper Secondary School Students. *Cognition, Behavior, Learning*, 1(3), 146-161.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

کارآفرینی یکی از اولین روش‌های مقابله با بحران بیکاری است که علاوه بر کاهش بیکاری موجب توسعه و رشد اجتماعی- اقتصادی جامعه، جمع‌آوری پس‌اندازهای عمومی و راکد و سرگردان افراد در جهت تأمین سرمایه اولیه برای راه‌اندازی مشاغل مختلف، ایجاد اشتغال پایدار در مقیاس وسیع و تمرکززدایی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه، ایجاد پویایی و تحرک در جامعه، بهبود کیفیت زندگی مردم، مرغوب شدن تولیدات با توجه به ایجاد بازار رقابت، بهبود و توسعه تجارت خارجی و افزایش صادرات کالا و افزایش درآمد عمومی و ثروت عمومی در جامعه می‌شود (Shafiabadi, 2024). اولین مرحله برای شروع فرآیند کارآفرینی، قصد انجام آن عمل است (Bachmann et al., 2024). قصد به‌عنوان یک حالت ذهنی شناخته شده است که فرد را به یک هدف خاص یا مسیر مشخص هدایت می‌کند و به‌عنوان مناسب‌ترین پیش‌بینی کننده رفتار انسان در نظر گرفته می‌شود (Loi et al., 2024). قصد کارآفرینی، جهت‌گیری‌های ذهنی‌ای مانند میل، آرزو و امید است که بر انتخاب کارآفرینی تأثیرگذار است (Jena, 2020). درواقع قصد کارآفرینی نیتی است که فرد برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار دارد (Abdelfattah et al., 2022) و باور درونی فرد و نیت او برای انجام فعالیت کارآفرینانه است (Moraes et al., 2021). در همین رابطه یوسف و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان "از آموزش کارآفرینی تا قصد کارآفرینی: میانجی‌گری متوالی خودکارآمدی و نگرش کارآفرینی" که بر روی ۳۸۰ نفر صورت گرفت؛ نشان دادند که آموزش کارآفرینی، خودکارآمدی و نگرش نسبت به شروع کسب‌وکار جدید در ایجاد قصد کارآفرینی مخاطبان کمک می‌کند. نتیجه‌گیری شد که یک میانجی متوالی بین آموزش کارآفرینی و قصد کارآفرینی با کانال گذاری از طریق سطح خودکارآمدی کارآفرینان وجود دارد که نگرش را نسبت به شروع یک کسب‌وکار جدید تغییر می‌دهد (Yousaf et al., 2021).

همچنین نتایج پژوهش ماهندراو همکاران (۲۰۱۷) نشان از ارتباط مثبت خودکارآمدی با قصد کارآفرینی بود (Mahendra et al., 2017). خودکارآمدی به‌عنوان یک سازه، با نظریه‌ی شناختی- اجتماعی مرتبط است که بر دیدگاه انسان از عاملیت به‌عنوان فعالانه درگیر رشد خود شدن، و افرادی که فعالانه اعمال خود را کنترل می‌کنند، تأکید می‌کند (Rashidi et al., 2021). درواقع خودکارآمدی به جنبه‌های خاصی از خود، و آنچه می‌تواند با توانایی‌ها و مهارت‌های آن‌ها انجام دهد، اشاره دارد (Sklett et al., 2018). درنتیجه در مسائل چالشی مانند کارآفرینی، نگرش مثبت‌تری در ابعاد مختلف عاطفی، شناختی و رفتاری ایجاد و قصد کارآفرینی را تقویت می‌کند (Wardana et al., 2020). خودکارآمدی شغلی به‌عنوان یک برچسب عمومی از قضاوت‌های کارآمدی شخصی در رابطه با دامنه‌ی وسیعی از رفتارهای درگیر در انتخاب شغل و سازگاری توصیف شده است (Asl et al., 2021). افرادی که از سطح پایین خودکارآمدی شغلی برخوردارند، در دستیابی به اهداف و به دست آوردن تجربیات موفق، ضعیف عمل کرده و درگیری و تلاش و پایداری کمتری از خود نشان می‌دهند (Haririzadeh et al., 2023). نینه (۲۰۲۲) در پژوهش خود تحت عنوان "اشتقاق کارآفرینانه و قصد کارآفرینی: نقش حمایت اجتماعی و خودکارآمدی کارآفرینی" که بر روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صورت گرفت؛ نشان دادند که اولاً، اشتقاق کارآفرینی بر قصد کارآفرینی و خودکارآمدی کارآفرینی تأثیر مثبت می‌گذارد. ثانیاً تأثیر غیرمستقیم اشتقاق کارآفرینانه بر قصد کارآفرینی از طریق خودکارآمدی کارآفرینانه معنادار و مثبت بود. ثالثاً، حمایت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر قصد کارآفرینی داشت، درحالی‌که تأثیر غیرمستقیم اشتقاق کارآفرینانه بر قصد کارآفرینی از طریق خودکارآمدی کارآفرینانه با حمایت اجتماعی تعدیل شد (Neneh, 2022).

هوش معنوی^۱ نیز یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند نقش عمده‌ای در ایجاد نگرش و قصد کارآفرینی داشته باشد زیرا توانایی به‌کارگیری و بروز ارزش‌های معنوی است به‌گونه‌ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی فرد شود (صفری جعفر لو و همکاران، ۱۳۹۶). هوش معنوی بر تمام جنبه‌های زندگی انسان اثر می‌گذارد و زندگی انسان را به یک عرصه نامحدود متصل می‌کند و وی را به سمت یک زندگی معنادار می‌کشد (Upadhyay & Upadhyay, 2016). از دیدگاه نظری، افراد باهوش معنوی پایین، زندگی را بی‌معنا و بی‌هدف تلقی می‌کنند و از آنجا که اتفاقات را در پرتو معنای کلی زندگی تفسیر نمی‌کنند، هنگام مواجهه با ناسازگاری‌های زندگی، بیشتر دچار یأس شده

¹ spiritual intelligence

و سخت‌تر با آن‌ها کنار می‌آیند (Sherkat et al., 2020). نتایج پژوهش اوتمن و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد که هوش معنوی در ایجاد خلاقیت، جایگزین کردن قواعد، ارائه توانایی تمیز و انتخاب، سرشار کردن افراد از شفقت و ادراک و شناخت محدودیت‌ها و تعامل بهتر جسم و ذهن تأثیرات شگرفی داشته و تکیه‌گاهی مطمئن جهت رشد و تحول ایجاد می‌کند و یا هوش اجتماعی که به توانایی درک بهتر دیگران، عمل و رفتار هوشمندانه و زیرکانه در روابط با دیگران و به‌کارگیری آن در تعاملات اجتماعی کمک می‌کند (Othman et al., 2020). کای و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود تحت عنوان "ذهن را آرام کن، روح سخن خواهد گفت! بررسی تأثیرات مرزی ذهن آگاهی سبز و هوش معنوی بر قصد کارآفرینی سبز دانشجویان-پیوند با رفتار" که بر روی دانشجویان دانشگاه پنجاب پاکستان صورت گرفت، نشان دادند که ذهن آگاهی سبز، قصد کارآفرینی سبز را از طریق اثر میانجی انگیزه درونی سبز، که به رفتار کارآفرینی سبز ترجمه می‌شود، افزایش می‌دهد. علاوه بر این، هوش معنوی رابطه بین ذهن آگاهی سبز و قصد کارآفرینی سبز را با نقش میانجی انگیزه‌ی درونی سبز به طور قابل توجهی تعدیل می‌کند به‌طوری‌که در سطوح بالای هوش معنوی این ارتباط بارزتر است و بالعکس (Cai et al., 2023).

در سال‌های اخیر، اهمیت کارآفرینی به‌عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع به‌طور فزاینده‌ای موردتوجه قرار گرفته است. بااین‌حال، علی‌رغم تلاش‌های گسترده برای ترویج فرهنگ کارآفرینی، هنوز چالش‌های متعددی در شناسایی و پیش‌بینی عوامل مؤثر بر قصد کارآفرینی وجود دارد. یکی از این چالش‌ها، کمبود تحقیقات جامع در خصوص نقش خودکارآمدی شغلی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی در این زمینه است. به‌ویژه، در میان دانش‌آموزان متوسطه دوم، که در مرحله حساس انتخاب مسیر شغلی و هویت‌یابی قرار دارند، این خلأ به‌وضوح مشهود است. تحقیقات قبلی به طور عمده بر روی متغیرهای فردی و محیطی تأکید کرده‌اند، اما توجه کافی به عوامل روان‌شناختی، به‌ویژه هوش معنوی به‌عنوان عوامل میانجی در پیش‌بینی قصد کارآفرینی نشده است. برای نمونه، هوش معنوی به‌عنوان یک عامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌های شغلی و کارآفرینی، به‌ندرت به‌عنوان یک متغیر مستقل یا میانجی در این پژوهش‌ها لحاظ شده است. بنابراین، این پژوهش در نظر دارد تا با مدل‌سازی جدیدی به این خلأ پاسخ دهد و به بررسی رابطه میان خودکارآمدی شغلی و قصد کارآفرینی بپردازد. این مدل به‌ویژه بر نقش میانجی هوش معنوی تأکید دارد. همچنین، در بررسی‌های موجود، نقص‌هایی از قبیل عدم توجه به تعاملات چندمتغیری و عدم بررسی جامع متغیرهای روان‌شناختی شناسایی شده است. این محدودیت‌ها، ضرورت انجام این پژوهش را به‌منظور توسعه الگوی جدیدی برای پیش‌بینی قصد کارآفرینی در میان دانش‌آموزان متوسطه دوم ایجاد می‌کند. بنابراین دانش‌آموزان متوسطه در مرحله‌ای از زندگی خود قرار دارند که تصمیم‌گیری در مورد آینده شغلی و کارآفرینی از جایگاه بالایی برخوردار است. در این دوره، خودکارآمدی شغلی می‌تواند تأثیر زیادی بر قصد کارآفرینی این دانش‌آموزان داشته باشد. خودکارآمدی شغلی به احساس فرد از توانایی‌های خود در دستیابی به اهداف شغلی مربوط می‌شود. این متغیر می‌تواند به‌طور مستقیم بر قصد کارآفرینی تأثیر بگذارد و همچنین باعث تقویت هوش معنوی شوند. بااین‌حال، در ادبیات موجود، بررسی هم‌زمان این متغیرها در زمینه قصد کارآفرینی دانش‌آموزان به‌طور جامع انجام نشده است. بیشتر پژوهش‌ها بر روی بزرگسالان و کارآفرینان حرفه‌ای تمرکز دارند و نیاز به بررسی این مفاهیم در سطح نوجوانان وجود دارد. این خلأ پژوهشی می‌تواند به درک بهتر از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری قصد کارآفرینی در سنین پایین کمک کند و به توسعه برنامه‌های آموزشی و مداخلات مؤثر در این زمینه منجر شود. بنابراین، سؤال پژوهشی این است: خودکارآمدی شغلی از طریق هوش معنوی تا چه حد توان پیش‌بینی قصد کارآفرینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم را دارند؟

روش‌شناسی

روش این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است و به شیوه مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام گرفت که در زمره روش‌های پژوهش کمی از نوع همبستگی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر قم در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ است. کلانین (۲۰۱۵) در کتاب خود تحت عنوان اصول و تمارین مدل‌سازی معادلات ساختاری بیان می‌دارد که برای مدل‌های ساده، حداقل ۱۰۰ نفر نمونه و برای مدل‌های پیچیده‌تر، حداقل ۲۰۰ نفر نمونه موردنیاز است. همچنین وی در اکثر مقالات و کتب منتشرشده در خصوص

حداقل حجم نمونه، زمانی که آزمون آماری تحلیل عاملی تأییدی یا مدل ساختاری باشد، توصیه می‌کند که حداقل حجم نمونه باید، ۲۰۰ آزمودنی باشد. لذا در این پژوهش با توجه به استفاده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی، ۵۰۰ پاسخ‌دهنده به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. برای این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای استفاده می‌شود. از آنجاکه شهر قم با بیش از ۵ میلیون نفر جمعیت ساکن، هفتمین کلان‌شهر ایران از نظر جمعیت است که دارای ۸ منطقه است. این کلان‌شهر، دارای مناطق بزرگ سکونت‌گاهی و مراکز مهم سیاسی و سازمانی، تفریحی و گردشگری، علمی و آموزشی، تاریخی، درمانی، تجاری و... است. بر اساس طبقه‌بندی آموزش و پرورش شهر قم این کلان‌شهر شامل ۴ ناحیه است که بر اساس آمار رسمی واحد برنامه‌ریزی و توسعه منابع اداره کل آموزش و پرورش استان قم در مجموع و در این ۴ ناحیه ۵۴۹۰۰ دانش‌آموز در دوره دوم مقطع متوسطه در این شهر اشتغال به تحصیل داشتند. لذا با توجه به پراکندگی جغرافیایی این کلان‌شهر و گستردگی جامعه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای برای انتخاب دانش‌آموزان دوره دوم مقطع متوسطه استفاده شد. برای این منظور از بین نواحی ۴ گانه شهر قم ۲ ناحیه، از هر ناحیه ۴ محله و از هر محله نیز ۴ مدرسه دوره دوم مقطع متوسطه (دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه)، از هر مدرسه ۳ کلاس و در نهایت از هر کلاس ۱۰ دانش‌آموز به‌طور تصادفی انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل تحصیل در دوره متوسطه دوم، ساکن شهر قم بودن و رضایت آگاهانه برای پاسخگویی به سوالات بودند. همچنین عدم پاسخگویی کامل به سوالات پرسشنامه‌ها، نداشتن همکاری لازم برای شرکت در پژوهش از ملاک‌های خروج از پژوهش بود. در سطح توصیفی جهت سنجش متغیرهای پژوهش از میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در سطح استنباطی، برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. نرم افزار تحلیل داده‌ها برنامه SPSS و AMOS نسخه ۲۹ بود.

الف) پرسشنامه قصد کارآفرینی لیان و چن (۲۰۰۹): این پرسشنامه شامل ۱۹ سؤال است که ۴ مؤلفه نگرش شخصی^۱ با سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵؛ هنجار ذهنی^۲ با سؤالات ۶ و ۷؛ کنترل رفتاری درک شده^۳ با سؤالات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳؛ قصد کارآفرین بودن^۴ با سؤالات ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری پرسشنامه لیکرت ۷ درجه‌ای است به این صورت که کاملاً موافقم ۷ نمره، موافقم ۶ نمره، تا حدودی موافقم ۵ نمره، نظری ندارم ۴ نمره، تا حدودی مخالفم ۳ نمره، مخالفم ۲ نمره و کاملاً مخالفم ۱ نمره تعلق می‌گیرد (لیان و چن و همکاران، ۲۰۰۹). سازندگان پرسشنامه پایایی آن را بررسی و ضرایب برای نگرش شخصی ۰/۹۴، هنجار ذهنی ۰/۸۸، کنترل رفتاری درک شده ۰/۷۷، قصد کارآفرین بودن ۰/۹۰ به دست آورده‌اند. در ایران از این پرسشنامه استفاده شده است و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۳ محاسبه و به دست آمده است (Baghersad et al., 2013). در پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش شده است.

ب) پرسشنامه خودکارآمدی شغلی ریگز و نایت (۱۹۹۴): این پرسشنامه توسط ریگز و نایت (۱۹۹۴) ساخته شده است که در چهار مؤلفه برای سنجش باورهای خودکارآمدی فردی، انتظار پیامدهای فردی، باورهای کارآمدی جمعی و انتظار پیامدهای جمعی است. گویه‌ها بر اساس تعاریف نظری بندورا (۱۹۷۷ و ۱۹۸۶) در هر چهار ساختار و خصوصیت در محیط شغلی پاسخ‌دهنده‌ها، طراحی شده‌اند. تعداد گویه‌های پرسشنامه ۳۱ گویه است. باورهای خودکارآمدی فردی با گویه‌های ۱ تا ۱۰، انتظار پیامدهای فردی با گویه‌های ۱۱ تا ۱۸، باورهای کارآمدی جمعی با گویه‌های ۱۹ تا ۲۵، و انتظار پیامدهای جمعی با گویه‌های ۲۶ تا ۳۱ معرفی می‌شوند. هر گویه دارای یک پاسخ پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) است. حداقل و حداکثر نمره هر فرد در این آزمون به ترتیب ۳۱ و ۱۵۵ است. پایایی این مقیاس در مطالعات ریگز (۱۹۹۴) بین ۰/۸۵ تا ۰/۸۸ گزارش شده است. در ایران نیز مرعشیان و همکاران (۱۳۹۲) ضرایب پایایی این پرسشنامه را به دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه کرده‌اند که به ترتیب ضرایب ۰/۵۳ و ۰/۵۷ به دست آمد. در پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شده است.

¹ personal attitude

² subjective norm

³ perceived behavioral control

⁴ entrepreneurial intention

ج) پرسشنامه هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸): برای بررسی سطح هوش معنوی از پرسشنامه هوش معنوی کینگ استفاده می‌شود. پرسشنامه هوش معنوی کینگ در سال ۲۰۰۸ توسط کینگ طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه است و چهار زیر مقیاس دارد: تفکر وجودی انتقادی (گویه‌های ۱ تا ۶)، تولید معنای شخصی (گویه‌های ۷ تا ۱۲)، آگاهی متعالی (گویه‌های ۸ تا ۱۳) و بسط حالت هشیاری (گویه‌های ۱۹ تا ۲۴). هر چه فرد نمره بالاتری در این پرسشنامه بگیرد دارای هوش معنوی بیشتری است. طیف نمره دهی آن بر اساس لیکرت پنج گزینه‌ای (از کاملاً درست تا کاملاً نادرست) می‌باشد. در پژوهش رقیب و همکاران (۱۳۸۹)، پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد شد. برای برآورد روایی همگرایی از پرسشنامه‌ی تجربه‌ی معنوی غباری بناب به طور هم‌زمان استفاده‌شده که ضرایب همبستگی این دو پرسشنامه ۰/۶۶ به دست آمده است (Raqib et al., 2010). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ گزارش شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش، بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق پرسشنامه در جدول زیر به توصیف آماری ویژگی‌های جمعیت شناختی بخش کمی شامل رشته تحصیلی، پایه تحصیلی و سطح تحصیلات خانواده پرداخته می‌شود:

جدول ۱. توصیف آماری ویژگی‌های جمعیت شناختی

ویژگی جمعیت شناختی	طبقه	درصد	فراوانی	بیشترین فراوانی	کمترین فراوانی
جنسیت	دختر	۵۵	۲۷۳	دختر	پسر
	پسر	۴۵	۲۲۷		
رشته تحصیلی	ادبیات و علوم انسانی	۲۶	۱۳۰	علوم تجربی	ریاضی و فیزیک
	علوم تجربی	۲۷	۱۳۵		
	ریاضی و فیزیک	۲۳	۱۱۵		
	علوم و معارف اسلامی	۲۴	۱۲۰		
پایه تحصیلی	دهم	۲۶	۱۴۲	یازدهم	دهم
	یازدهم	۴۱	۱۹۹		
	دوازدهم	۳۳	۱۵۹		
سطح تحصیلات والدین	زیر دیپلم و دیپلم	۱۷	۸۲	فوق لیسانس	زیر دیپلم و دیپلم
	لیسانس	۳۹	۱۶۹		
	فوق لیسانس	۳۲	۱۵۴		
	دکتری	۱۲	۷۵		

از نظر جنسیت بیشترین درصد دانش‌آموزان دختران با ۵۵٪ (۲۷۳ نفر) و کمترین درصد متعلق به پسران با ۴۵٪ (۲۲۷ نفر) بود رشته‌های تحصیلی، بیشترین درصد دانش‌آموزان در رشته علوم تجربی با ۲۷٪ (۱۳۵ نفر) مشغول به تحصیل بودند، در حالی که کمترین درصد متعلق به رشته ریاضی و فیزیک با ۲۳٪ (۱۱۵ نفر) بود. رشته‌های ادبیات و علوم انسانی با ۲۶٪ (۱۳۰ نفر) و علوم و معارف اسلامی با ۲۴٪ (۱۲۰ نفر) نیز در بین دانش‌آموزان حضور داشتند. از نظر پایه تحصیلی، پایه یازدهم با ۴۱٪ (۱۹۹ نفر) بیشترین فراوانی را داشت، در حالی که پایه دهم با ۲۶٪ (۱۴۲ نفر) کمترین فراوانی را به خود اختصاص داد. پایه دوازدهم نیز با ۳۳٪ (۱۵۹ نفر) در میانه این طیف قرار گرفت. در مورد سطح تحصیلات والدین، بیشترین درصد والدین دارای مدرک لیسانس با ۳۹٪ (۱۶۹ نفر) بودند، در حالی که کمترین درصد متعلق به والدین با تحصیلات دکتری با ۱۲٪ (۷۵ نفر) بود. والدین دارای مدرک فوق لیسانس با ۳۲٪ (۱۵۴ نفر) و زیر دیپلم و دیپلم با ۱۷٪ (۸۲ نفر) نیز در این جمعیت حضور داشتند. این داده‌ها نشان می‌دهد که تنوع قابل توجهی در ویژگی‌های جمعیت شناختی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر قم وجود دارد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی و نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
نکرش شخصی	۱۱/۱۶	۲/۹۶	-۱/۱۵	۰/۰۶
هنجار ذهنی	۴/۷۴	۱/۳۵	-۰/۷۸	-۰/۱۰
کنترل رفتاری	۱۸/۰۶	۳/۰۱	-۱/۰۰	-۰/۴۵
قصد کارآفرین بودن	۱۸/۱۴	۲/۶۱	-۱/۱۲	۰/۶۴
نمره کل قصد کارآفرینی	۵۲/۱۰	۸/۶۲	-۱/۲۹	-۰/۰۱
باور فردی	۲۱/۳۲	۷/۸۴	۰/۵۷	-۰/۴۰
انتظار فردی	۱۹/۶۰	۷/۳۴	۰/۵۲	-۰/۷۹
باور جمعی	۱۶/۹۴	۸/۶۷	۰/۳۵	-۱/۲۱
انتظار جمعی	۱۴/۴۶	۶/۸۰	-۰/۱۲	-۱/۵۴
نمره کل خود کارآمدی شغلی	۷۲/۳۲	۲۸/۳۶	-۰/۲۹	-۱/۱۸
تفکر انتقادی وجودی	۱۳/۸۴	۶/۱۷	۰/۵۹	-۱/۰۹
تولید معنای شخصی	۱۰/۸۸	۳/۶۲	۰/۳۲	-۰/۱۷
آگاهی متعالی	۱۳/۹۰	۶/۱۹	۰/۶۴	-۱/۰۱
بسط حالت هوشیاری	۱۰/۴۰	۳/۳۰	۰/۸۱	۰/۷۰
نمره کل هوش معنوی	۴۹/۰۲	۱۸/۸۶	۰/۶۷	-۰/۶۲

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار و نرمال بودن متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. برای سنجش نرمال بودن تک متغیره داده‌ها از مقادیر چولگی و کشیدگی استفاده می‌شود که مقادیر آن باید در بازه ۲- تا ۲+ باشد که نشان دهنده نرمال بودن تک متغیره توزیع نمرات باشد که در این پژوهش مقادیر چولگی و کشیدگی در بازه ۲- تا ۲+ قرار داشت. همچنین برای بررسی نرمال بودن چندمتغیره داده‌ها از «ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا»^۱ استفاده می‌شود که مقدار به دست آمده برای ضریب مردیا باید کمتر از ۴ باشد که بر اساس نتایج مندرج در جدول ۱ مقدار ضریب مردیا ۲/۵۳ دست آمد که نشان دهنده نرمال بودن چندمتغیره توزیع نمرات است. از دیگر مفروضات مدلیابی معادلات ساختاری مفروضه استقلال خطاهاست مقدار آماره‌ی دوربین واتسون^۲ بین ۱/۵ الی ۲/۵ قرار داشت، لذا می‌توان استقلال خطاها را پذیرفت. مفروضه همخطی چندگانه^۳ نیز بررسی و هیچ کدام از مقادیر آماره تحمل کوچکتر از حد مجاز ۰/۱ و هیچ کدام از مقادیر عامل تورم واریانس بزرگ‌تر از حد مجاز ۱۰ نبود. لذا همخطی چندگانه وجود نداشت. در جدول ۲ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش آمده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳
۱- قصد کارآفرینی	۱		
۲- خودکارآمدی شغلی	۰/۵۷**	۱	
۳- هوش معنوی	۰/۶۸**	۰/۶۲**	۱

** معنادار در سطح ۰/۰۱

جدول ۳ ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. بین خودکارآمدی شغلی ($p < ۰/۰۱$, $r = ۰/۵۷$) و هوش معنوی ($p < ۰/۰۱$), $r = ۰/۶۸$) با قصد کارآفرینی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در جدول ۴ شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش آمده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش

نوع شاخص	شاخص‌ها	مقدار به دست آمده	مقدار قابل قبول
----------	---------	-------------------	-----------------

۱. Mardia's normalized multivariate kurtosis value

۲. durbin-watson

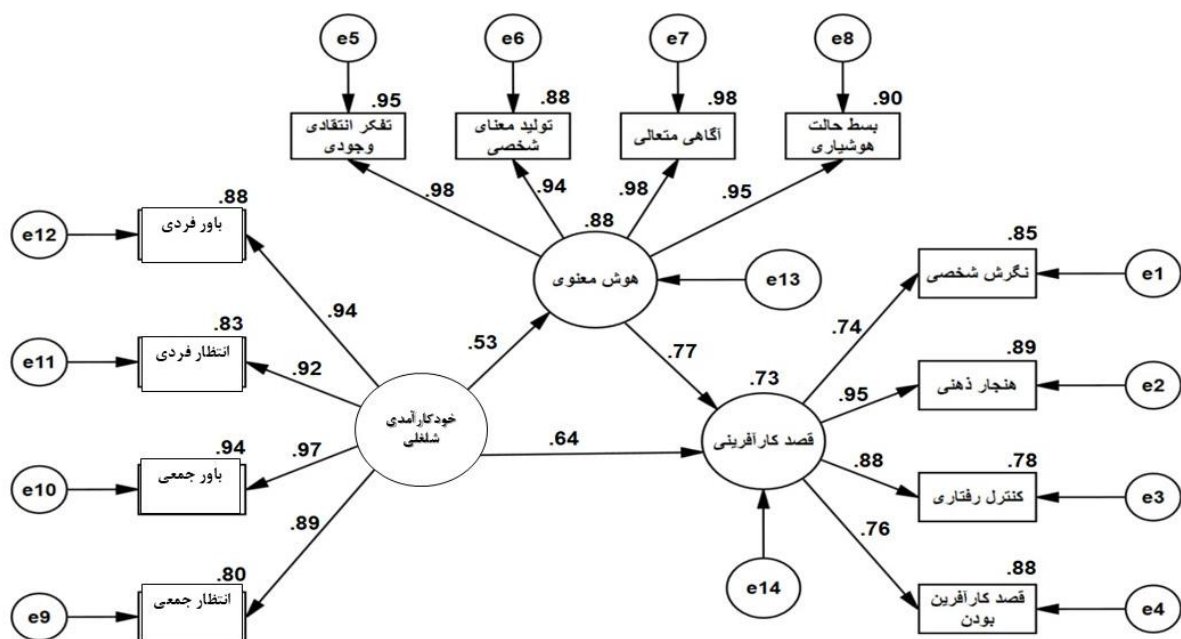
۳. multicollinearity

کای اسکوئر هنجار شده (CMIN)	۸۸/۹۱	-
درجه آزادی	۵۱	
شاخص‌های مطلق	۱/۸۶	کمتر از ۳
CMIN/DF		
سطح معناداری	۰/۰۰۱	-
خطای ریشه‌ی مجذور میانگین تقریب (RMSEA)	۰/۰۳	کمتر از ۰/۰۸
شاخص تقریب برازندگی (PCLOSE)	۰/۰۰۱	-
ریشه میانگین مجذور باقیمانده (SRMR)	۰/۰۵	کمتر از ۰/۰۸
شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۱	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده یا انطباقی (AGFI)	۰/۹۶	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص برازش مقتصد (PCFI)	۰/۷۴	بیشتر از ۰/۶۰
شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	۰/۷۳	بیشتر از ۰/۶۰
شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۳	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص توکر-لویس (TLI)	۰/۹۸	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۲	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۴	بیشتر از ۰/۹۰
شاخص‌های نسبی		

در این پژوهش روش برآورد پارامتر، روش حداکثر درست نمایی^۱ (MLE) بوده است. بر اساس نتایج شاخص‌های برازش همگی مطلوب بودند و شاخص ریشه میانگین مجذور تقریب (RMSEA) باید زیر ۰/۰۸ باشد. همچنین ریشه میانگین مجذور باقیمانده^۲ (SRMR) به عنوان تفاوت بین همبستگی مشاهده شده و ماتریس همبستگی ضمنی مدل تعریف می‌شود. این شاخص امکان ارزیابی میانگین بزرگی اختلافات بین همبستگی‌های مشاهده شده و مورد انتظار را به عنوان معیار مطلق معیار برازش (مدل) فراهم می‌کند. اگر مقدار شاخص SRMR کمتر از ۰/۰۸ باشد، یا بر اساس منابعی دیگر از جمله الدهمادی و همکاران (۲۰۲۵) که ذکر کرده‌اند، برای شاخص SRMR مقادیر کمتر از ۰/۰۵ نشان دهنده تناسب خود و مقادیر کمتر یا مساوی ۱۰ نشان دهنده تناسب قابل قبول است. مطابق نتایج میزان شاخص RMSEA معادل ۰/۰۶ و ریشه میانگین مجذور باقیمانده (SRMR) به میزان ۰/۰۳ به دست آمده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل با داده‌ها برازش بسیار خوبی داشته و متناسب است. همچنین فاصله اطمینان ۹۵ درصد اطراف شاخص RMSEA بین ۰/۰۴۷ و ۰/۰۵۳ قرار دارد که حاکی از وضعیت مطلوب برازش مدل است. شکل ۲ مدل نهایی و برازش شده پژوهش آمده است.

1. Maximum Likelihood Estimation (MLE)

2. standardized root mean square residual (SRMR)



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

در شکل ۲ مدل نهایی پژوهش آمده است که بر اساس آن ۷۳ درصد از قصد کارآفرینی بر اساس خودکارآمدی شغلی با نقش میانجی هوش معنوی تبیین می‌شود. در ادامه در جدول شماره ۵ ضرایب استاندارد و مستقیم آمده است.

جدول ۵. ضرایب مستقیم و استاندارد خودکارآمدی شغلی و هوش معنوی با قصد کارآفرینی

مسیرهای مستقیم	ضریب استاندارد		ضرایب غیراستاندارد		Sig
	ضریب بتا		ضریب b	خطای معیار	
خودکارآمدی شغلی ← قصد کارآفرینی	۰/۶۴		۰/۵۰	۰/۰۲	۰/۰۰۱
هوش معنوی ← قصد کارآفرینی	۰/۷۷		۰/۶۶	۰/۰۵	۰/۰۰۱
خودکارآمدی شغلی ← هوش معنوی	۰/۵۳		۰/۵۶	۰/۰۴	۰/۰۰۱

بر اساس آنچه در جدول ۵ آمده است، مسیرهای خودکارآمدی شغلی ($\beta=0/64$ و $sig=0/001$) و هوش معنوی ($\beta=0/77$ و $sig=0/001$) بر روی قصد کارآفرینی معنادار است. در جدول ۶ نتایج بوت استروپ نتایج بوت استروپ خودکارآمدی شغلی با نقش میانجی هوش معنوی بر قصد کارآفرینی آمده است.

جدول ۶. نتایج بوت استروپ خودکارآمدی شغلی با نقش میانجی هوش معنوی بر قصد کارآفرینی

مسیر غیرمستقیم	اثر غیرمستقیم	فاصله اطمینان		معناداری
		حد پایین	حد بالا	
خودکارآمدی شغلی ← هوش معنوی ← قصد کارآفرینی	۰/۵۳	۰/۳۱	۰/۵۳	۰/۰۰۱

برای آزمون معناداری اثر میانجی هوش معنوی در رابطه بین خودکارآمدی شغلی با قصد کارآفرینی از روش بوت استروپ با ۲۰۰۰ نمونه‌گیری مجدد در فاصله اطمینان ۰/۹۵ استفاده شد. هرچقدر تعداد نمونه‌گیری‌ها بیشتر باشد، دقت پیش‌بینی نیز بالاتر می‌رود (کلاین، ۲۰۲۳، ویسی و همکاران، ۱۴۰۳). همچنین بر اساس نظر کلاین (۲۰۲۳) که اظهار می‌دارد اگر دامنه برآوردهای حد پایین و حد بالا از صفر عبور نکند، اثر

غیرمستقیم در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، نتایج جدول ۵ نشان داد که هوش معنوی در رابطه بین خودکارآمدی شغلی ($\beta=0/53$) و (Sig=0/001) با قصد کارآفرینی در دانش‌آموزان متوسطه دوم نقش میانجی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف پیش‌بینی قصد کارآفرینی بر اساس خودکارآمدی شغلی با نقش میانجی هوش معنوی دانش‌آموزان متوسطه دوم انجام شد. نتایج نشان داد که فرضیه مطرح‌شده در ارتباط باوجود اثر مستقیم خودکارآمدی شغلی بر قصد کارآفرینی دانش‌آموزان متوسطه دوم به‌واسطه‌ی خودکارآمدی شغلی با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود. همسو با این یافته صوفی و دیلمی (۱۴۰۱) در پژوهشی نشان دادند که آموزش کارآفرینی و هنجارهای ذهنی به همراه خودکارآمدی دانشجویان از عوامل ضروری برای تحقق قصد کارآفرینی توسط دانشجویان است (Soofi & Deylami, 2022). نتایج پژوهش الله‌یار (۱۳۹۹) نیز نشان داد که بین خودکارآمدی شغلی و قصد کارآفرینی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. خودکارآمدی شغلی به‌عنوان یک متغیر پیش‌بین در این پژوهش مطرح می‌شود و به معنای اعتقاد فرد به توانایی‌های خود در انجام وظایف شغلی و حرفه‌ای است (Allahyar, 2020). این متغیر می‌تواند به شکل مستقیم بر قصد کارآفرینی تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند توانایی‌های لازم برای موفقیت در فعالیت‌های شغلی و کارآفرینی را دارند، احتمال بیشتری دارد که به سمت کارآفرینی گرایش پیدا کنند. مکانیسم‌های تأثیرگذاری این رابطه شامل چندین عامل اساسی است. نخست، خودکارآمدی شغلی می‌تواند به افزایش انگیزه و تلاش در راستای دستیابی به اهداف کارآفرینی منجر شود. زمانی که دانش‌آموزان باور دارند که می‌توانند به موفقیت برسند، تمایل بیشتری برای شروع یک کسب‌وکار و مواجهه با چالش‌های آن خواهند داشت. این باور به‌طور طبیعی موجب می‌شود که آن‌ها در برابر موانع و مشکلات بیشتر مقاومت کنند و به دنبال راه‌حل‌های خلاقانه باشند. علاوه بر این، خودکارآمدی شغلی می‌تواند به تقویت مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری در شرایط نا اطمینانی کمک کند. کارآفرینی به‌طور طبیعی با عدم قطعیت و چالش‌های غیرمنتظره همراه است. دانش‌آموزانی که خودکارآمدی بالاتری دارند، بهتر می‌توانند با این چالش‌ها کنار بیایند و از آن‌ها به‌عنوان فرصت‌هایی برای یادگیری و رشد استفاده کنند. همچنین، خودکارآمدی شغلی می‌تواند به کاهش ترس از شکست و اضطراب مرتبط با کارآفرینی کمک کند. افرادی که به توانایی‌های خود اطمینان دارند، کمتر از شکست می‌ترسند و به‌جای فرار از خطر، به دنبال فرصت‌های جدید و نوآورانه می‌روند. این نگرش مثبت می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های کارآفرینانه و اقدامات مؤثر برای راه‌اندازی کسب‌وکار منجر شود. درنهایت، نتیجه‌گیری این است که خودکارآمدی شغلی به‌عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌گیری قصد کارآفرینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه عمل می‌کند. توجه به پرورش و تقویت خودکارآمدی در این دانش‌آموزان می‌تواند به افزایش روحیه کارآفرینی و موفقیت‌های آینده آن‌ها کمک کند.

نتایج نشان داد که فرضیه مطرح‌شده در ارتباط باوجود اثر مستقیم هوش معنوی بر قصد کارآفرینی دانش‌آموزان متوسطه دوم با ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است. همسو با این یافته صفری جعفر لو و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که هوش معنوی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق نگرش به کارآفرینی اثر مثبت بر قصد کارآفرینی دارد (Safari Jafarloo et al., 2017). همچنین، مدل تأثیر هوش معنوی و نگرش به کارآفرینی، بر قصد کارآفرینی در بین دانشجویان علوم ورزشی از برازش قابل قبولی برخوردار بود. در تبیین نتایج به دست آمده بر اساس نظر پالوتزین و الیسون (۱۹۸۲) ضمن تعریف هوش معنوی با عنوان رضایت شخصی، در ارتباط شخص با یک وجود برتر و حسی از هدفمندی در زندگی، بیان می‌کنند که این رضایت شخصی و احساس هدفمندی در زندگی باعث افزایش قصد کارآفرینی می‌شود (Asl et al., 2021; Bachmann et al., 2024). هوش معنوی سبب می‌شود که فرد احساس کند که نیرویی برتر، از او محافظت می‌کند و به او توجه دارد؛ از طرف دیگر، هوش معنوی سبب ارتباط بهتر با افراد دیگر می‌شود و درنتیجه منابع حمایت اجتماعی فرد را افزایش می‌دهد و جهت‌گیری واقع‌بینانه درباره فقدان و محرومیت به فرد می‌دهد و از این طریق باعث افزایش قصد کارآفرینی افراد می‌شود. گومز و فیشر (۲۰۰۳) نیز بر این باورند که هوش معنوی موجب می‌شود فرد دارای هویت یکپارچه، رضایت، شادی، عشق، احترام، نگرش‌های مثبت، آرامش درونی و هدف و جهت در زندگی باشد و این نوع نگرش‌های مثبت در بهزیستی و قصد کارآفرینی تأثیر بسزایی دارد. از طرف دیگر

تبیین‌های احتمالی این رابطه این است که افراد دارای زندگی معنوی فعال، از نظر روانی افراد سالمی هستند (Rani & Sharma, 2020). این افراد تمایل دارند خود را دوست‌داشتنی، توانا و شایسته ببینند. افراد باهوش معنوی بالا به یک منبع و قدرت معنوی پناه می‌برند و این قدرت برتر، آنان را در برابر مشکلات و گرفتاری‌ها محافظت می‌کند، در چنین شرایطی حس امید و نشاط در فرد ایجاد می‌شود و این حس موجب تقویت قصد کارآفرینی آن‌ها خواهد بود. همچنین در تبیین دیگر نتایج می‌توان به این نکته اشاره کرد که نخستین و مهم‌ترین عامل مربوط به تأثیر ویژه معنویت بهبود نگرش و تفسیر فرد نسبت به زندگی است. اهمیت عامل فشار آور و از طریق ارزیابی‌های شناختی که تحت تأثیر باورها و ارزش‌های فردی، مانند کنترل فردی و باورهای وجودی و معنوی قرار دارد، تعیین می‌شود. افراد بر مبنای منابع در دسترس و از راه‌های گوناگون کنار آمدن، استرس خود را مدیریت می‌کنند. از این دیدگاه می‌توان گفت که باورها، ارزیابی‌های شناختی مهم را در فرایند مقابله تحت تأثیر قرار می‌دهند و از این‌رو معنویت می‌تواند به افراد کمک کند تا وقایع منفی را به شیوه متفاوتی ارزیابی نمایند؛ بنابراین معنویت حس قوی‌تری از کنترل را ایجاد می‌نماید که از این راه در رسیدن به قصد کارآفرینی کمک می‌کند.

نتایج نشان داد که خودکارآمدی شغلی اثر غیرمستقیم بر قصد کارآفرینی به واسطه هوش معنوی داشته است. بدین معنا که با افزایش عوامل خودکارآمدی شغلی، سطح قصد کارآفرینی به واسطه هوش معنوی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش با یافته‌های پیشین (Dina et al., 2020; Rani & Sharma, 2020; Rasouli & Tajik, 2017; Safari Jafarloo et al., 2017; Yousaf et al., 2021) همسویی دارد. در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان چنین بیان نمود که خودکارآمدی که یکی از مؤلفه‌های مهم تنظیم رفتار، قضاوت‌های کارآمد و ناکارآمد را در مواجهه با وقایع به دنبال خواهد داشت که هریک از این نگرش‌ها در جایگاه خود می‌توانند در رویارویی با موانع، نتیجه رفتار را پیش‌بینی کند. هوش معنوی‌ای که از خودکارآمدی تأثیر گرفته باعث می‌شود فرد در جهت حل مشکلات و مسائل پرتنش روزمره در موقعیت‌های مختلف نقش‌های مهمی ایفا کند و صفات مقابله با سختی، دردها و شکست‌ها را داشته باشد و از حس انعطاف‌پذیری بالاتری برخوردار باشد. فرد به وسیله هوش معنوی می‌تواند بهترین و مناسب‌ترین تصمیمات را بر اساس ابعاد روانی و جسمانی و در جهت ارتقای سازگاری و انطباق‌پذیری با شرایط و محیط زندگی و استفاده انطباقی از توانایی‌ها و ارزش‌ها بگیرد. بنابراین باور فرد به کارآمد بودن به عنوان یک عامل محافظتی موجب افزایش مقاومت در برابر عوامل استرس و به کارگیری روش حل مسئله در مواجهه با شرایط سخت را دارد. از سویی هوش معنوی با افزایش یک سطح از معنی نه تنها به فرد در غلبه بر ناسازگاری‌ها کمک می‌کند بلکه به افزایش رضایت و خود اجرائی نیز کمک می‌کند، در نتیجه این هوش معنوی متأثر از خودکارآمدی شغلی باعث افزایش قصد کارآفرینی می‌شود. همچنین هوش معنوی به عنوان یک ظرفیت ذهنی و احساسی، به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که در مواجهه با چالش‌ها و تصمیمات دشوار، از دیدگاه‌های عمیق‌تری استفاده کنند. این نوع هوش به آن‌ها کمک می‌کند تا ارزش‌ها و اصول اخلاقی خود را در فرآیندهای تصمیم‌گیری کارآفرینانه در نظر بگیرند و به دنبال راه‌حل‌های خلاقانه و معنادار باشند. به عنوان مثال، یک دانش‌آموز باهوش معنوی بالا ممکن است در مواجهه با مشکلات اقتصادی، به جای تمرکز صرف بر سودآوری، به تأثیرات اجتماعی و محیطی کسب‌وکار خود نیز توجه کند و به دنبال راه‌حلی باشد که هم به نفع خود و هم به نفع جامعه باشد. علاوه بر این، هوش معنوی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا در شرایط استرس‌زا و پرتنش، آرامش و تمرکز بیشتری را حفظ کنند. این توانایی به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در مواجهه با چالش‌های کارآفرینی، از احساسات منفی دوری کنند و به جای آن، بر روی اهداف و آرمان‌های خود تمرکز کنند. این ویژگی می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا در شرایط نامساعد، به جای تسلیم شدن، به دنبال راه‌حل‌های جدید و ابتکاری باشند. همچنین، هوش معنوی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا به دیگران گوش دهند و از تجربیات و نظرات آن‌ها بهره‌برداری کنند. این توانایی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در فرآیند کارآفرینی، از مشاوره‌های دیگران استفاده کنند و به طور مؤثری با تیم‌های کاری خود همکاری کنند. در نتیجه، این ارتباطات می‌تواند به ایجاد شبکه‌های حمایتی منجر شود که در مسیر کارآفرینی بسیار حیاتی هستند. به علاوه، هوش معنوی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا درک بهتری از خود و دیگران داشته باشند. این خودآگاهی به آن‌ها اجازه می‌دهد تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کنند و بر اساس آن‌ها تصمیمات بهتری در زمینه کارآفرینی اتخاذ کنند. این درک

عمیق از خود می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا در مواجهه با چالش‌ها و ناکامی‌ها، از تجربیات گذشته خود درس بگیرند و به رشد و پیشرفت خود ادامه دهند. بنابراین در این فرضیه، رابطه‌ی بین خودکارآمدی شغلی، هوش معنوی و قصد کارآفرینی موردبررسی قرار می‌گیرد. خودکارآمدی شغلی به‌عنوان احساس توانمندی فرد در مواجهه با وظایف شغلی، می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر هوش معنوی داشته باشد. افرادی که احساس خودکارآمدی بالایی دارند، معمولاً توانایی بیشتری در تفکر عمیق و معنایی نسبت به کار و زندگی خود پیدا می‌کنند. این توانایی به آن‌ها کمک می‌کند تا در شرایط دشوار، به دنبال معنا و هدف باشند و به‌این‌ترتیب هوش معنوی آن‌ها تقویت می‌شود. هوش معنوی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از اهداف و ارزش‌های خود داشته باشند و این موضوع می‌تواند بر انگیزه آن‌ها برای ورود به عرصه کارآفرینی تأثیر بگذارد. به‌عبارت‌دیگر، هوش معنوی می‌تواند به‌عنوان یک منبع انگیزشی عمل کند که دانش‌آموزان را به سمت کارآفرینی سوق می‌دهد. افرادی که هوش معنوی بالایی دارند، معمولاً توانایی بیشتری در شناسایی فرصت‌ها و غلبه بر چالش‌های موجود در مسیر کارآفرینی دارند. در این مکانیسم تأثیرگذاری، خودکارآمدی شغلی به طور غیرمستقیم از طریق هوش معنوی بر قصد کارآفرینی تأثیر می‌گذارد. به طور خاص، خودکارآمدی شغلی می‌تواند باعث افزایش هوش معنوی شود، و هوش معنوی بالا نیز به‌نوبه خود می‌تواند منجر به تقویت قصد کارآفرینی گردد. به‌عنوان مثال، دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی یا پروژه‌های خلاقانه شرکت کرده‌اند و احساس خودکارآمدی دارند، ممکن است به دنبال معنا و هدف در کارآفرینی باشند و این احساس، آن‌ها را به سمت راه‌اندازی کسب‌وکارهای خود هدایت کند. به‌طورکلی، این ارتباط غیرمستقیم نیاز به بررسی‌های عمیق‌تر و شواهد تجربی دارد تا بتوان به درک کامل‌تری از این مکانیسم‌های تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دست یافت.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر شامل: محدودیت ابزار اندازه‌گیری متغیرها که فقط از پرسشنامه‌های خود گزارشی استفاده گردیده است. با توجه به این که پژوهش در یک جامعه محدود انجام شده است نسبت به تعمیم نتایج به جوامع دیگر باید جانب احتیاط را رعایت نمود. داده‌ها و تحلیل‌های پژوهش حاضر از نوع مطالعات مقطعی است و از این‌رو نتیجه‌گیری علی در مورد داده‌ها صحیح نیست و باید پژوهش‌های طولی در این‌باره صورت بگیرد. پیشنهاد می‌شود که متولیان آموزشی، آموزش راهکارهای توسعه قصد کارآفرینی را در دستور کار خود قرار دهند و فرصت‌های آموزشی در زمینه ارزیابی صحیح از موقعیت‌ها و پیامدهای رفتاری و نیز شیوه‌های مقابله با شرایط دشوار، برای دانش‌آموزان فراهم شود. به مدیران و مسئولین آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود توجه بیشتری به متغیرهای روان‌شناختی دانش‌آموزان داشته باشند. اگر مسئولین از سطح انگیزه دانش‌آموزان و خصوصیات شخصیتی آنان مطلع باشند بهتر و راحت‌تر می‌توانند برای آینده شغلی آنان برنامه‌ریزی کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود همچنین پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی در جهت ارتقاء هوش معنوی طراحی و به دانش‌آموزان ارائه شود. این برنامه‌ها می‌توانند شامل فعالیت‌های گروهی، کارگاه‌های تفکر خلاق و تمرین‌های مدیتیشن و خودآگاهی باشند که به دانش‌آموزان کمک کند تا ارتباط عمیق‌تری با ارزش‌ها و اهداف خود برقرار کنند و در نتیجه به تقویت قصد کارآفرینی آن‌ها کمک کند.

موازین اخلاقی

تمامی موازین اخلاقی در این پژوهش رعایت گردیده است. پس از دادن آگاهی در مورد هدف پژوهش، نحوه اجرا، اصل رازداری، حق انتخاب برای همکاری و حق انصراف در حین پاسخ به گویه‌های پرسشنامه‌ها به شرکت کنندگان داده شد. همچنین، توضیح هدف پژوهش، دادن اطمینان از اینکه پاسخنامه آن‌ها به صورت گروهی تحلیل می‌شود از اصول اخلاقی رعایت شده در این پژوهش بود. لازم به ذکر است که کسب کد اخلاق به شماره IR.IAU.SRB.REC.1403.385 در تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ از کارگروه/کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات از اصول اخلاقی رعایت شده در این پژوهش بوده است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Entrepreneurial intention, as the initial cognitive step in the entrepreneurial process, is significantly influenced by multiple psychological and contextual factors. Defined as a person's deliberate and goal-oriented state of mind toward starting a business venture, entrepreneurial intention is considered the strongest predictor of actual entrepreneurial behavior (Bachmann et al., 2024). It entails a mental orientation encompassing desire, aspiration, and commitment, all of which affect one's career choice in entrepreneurship (Abdelfattah et al., 2022; Jena, 2020; Moraes et al., 2021). The growing emphasis on entrepreneurship as a tool for addressing unemployment and promoting economic development highlights the urgency of identifying factors that can predict and cultivate such intentions among youth (Shafiabadi, 2024).

One key construct in this regard is job self-efficacy, which is grounded in Bandura's social cognitive theory. Self-efficacy refers to beliefs in one's capabilities to execute actions required to manage prospective situations (Rashidi et al., 2021; Sklett et al., 2018). Specifically, job self-efficacy reflects a person's confidence in performing occupational tasks and adapting to work-related challenges (Asl et al., 2021). Higher self-efficacy contributes to stronger motivation, resilience, and a positive mindset when facing career-related uncertainties (Mahendra et al., 2017; Wardana et al., 2020). Furthermore, empirical research indicates that self-efficacy acts as a significant mediator in the relationship between entrepreneurship education and entrepreneurial intention (Yousaf et al., 2021).

In addition to self-efficacy, spiritual intelligence is increasingly recognized for its role in meaning-making, value-based decision-making, and holistic well-being, all of which can influence entrepreneurial aspirations. Spiritual intelligence involves the ability to utilize spiritual information to facilitate problem-solving and goal attainment, contributing to improved physical and mental health (Sherkat et al., 2020; Upadhyay & Upadhyay, 2016). Individuals with high spiritual intelligence often possess greater psychological resilience, compassion, and purpose-driven behavior, which are essential in navigating the uncertainties of entrepreneurial ventures (Cai et al., 2023; Othman et al., 2020). It also fosters a capacity for introspection and ethical reasoning, factors that are increasingly valued in the domain of social and green entrepreneurship.

Although various studies have explored the effects of psychological factors such as self-efficacy and spirituality separately, there remains a gap in understanding their interactive effects on entrepreneurial intention, particularly among high school students who are in a crucial phase of career exploration. Most existing research targets adult populations or professional entrepreneurs, with limited attention to adolescents, whose developmental stage presents unique psychological needs and opportunities. Furthermore, spiritual intelligence is seldom examined as a mediating variable, despite its theoretical relevance. Addressing this gap, the present study investigates the mediating role of spiritual intelligence in the relationship between job self-efficacy and entrepreneurial intention among upper secondary school students in Qom, Iran. This approach offers a more nuanced understanding of how internal beliefs and values shape entrepreneurial aspirations during adolescence.

Methods and Materials

This applied research employed a quantitative approach with a descriptive-analytical and correlational design, using structural equation modeling. The statistical population included all upper secondary school students in Qom during the 2023–2024 academic year. A multistage cluster random sampling method was used to select 500 participants, ensuring geographical and educational diversity across the city's four educational districts. The inclusion criteria were enrollment in the upper secondary level, residence in Qom, and informed consent to participate. Data were collected using three standardized questionnaires: the Entrepreneurial Intention Questionnaire by Liñán and Chen (2009), the Job Self-Efficacy Scale by Riggs and Knight (1994), and the Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI-24) by King (2008). Descriptive statistics included means

and standard deviations, while inferential analyses employed Pearson correlation and structural equation modeling using SPSS and AMOS version 29. Reliability and validity of the instruments were confirmed using Cronbach's alpha, composite reliability, McDonald's omega, and both convergent and discriminant validity indices. Model fit was evaluated through indicators such as RMSEA, SRMR, and CFI.

Findings

The sample consisted of 500 students, of whom 55% were female and 45% male. The majority were in the eleventh grade, and most students' parents held bachelor's degrees. The most common academic field was experimental sciences. All variables demonstrated acceptable skewness and kurtosis, confirming normality. Pearson correlation results showed significant positive correlations between job self-efficacy and entrepreneurial intention ($r = 0.57, p < 0.01$), as well as between spiritual intelligence and entrepreneurial intention ($r = 0.68, p < 0.01$).

The structural model displayed excellent fit indices: RMSEA = 0.03, SRMR = 0.05, CFI = 0.91, and TLI = 0.98, among others. The direct effect of job self-efficacy on entrepreneurial intention was significant ($\beta = 0.64, p < 0.001$). Similarly, the direct effect of spiritual intelligence on entrepreneurial intention was also significant ($\beta = 0.77, p < 0.001$). Additionally, job self-efficacy significantly predicted spiritual intelligence ($\beta = 0.53, p < 0.001$), indicating a mediating mechanism.

Bootstrapping with 2000 samples confirmed the mediating effect of spiritual intelligence. The indirect effect of job self-efficacy on entrepreneurial intention through spiritual intelligence was significant ($\beta = 0.53, CI [0.31, 0.53], p < 0.001$). Overall, the model accounted for 73% of the variance in entrepreneurial intention, highlighting the substantial predictive power of the constructs studied.

Discussion and Conclusion

This study affirms that job self-efficacy significantly enhances entrepreneurial intention among upper secondary students, both directly and indirectly through spiritual intelligence. These findings suggest that students who perceive themselves as capable of overcoming occupational challenges are more likely to pursue entrepreneurial paths. Self-efficacy instills confidence, increases persistence, and equips students with the problem-solving skills needed to succeed in uncertain and demanding situations. It also reduces fear of failure and fosters a proactive approach to opportunity recognition and risk-taking.

Spiritual intelligence, as a mediating factor, deepens students' sense of meaning and purpose, enabling them to frame their entrepreneurial aspirations within a broader ethical and value-based context. It empowers them to handle stress, maintain inner peace, and remain focused on long-term goals even in the face of adversity. By enhancing self-awareness and empathy, spiritual intelligence encourages collaboration and ethical decision-making, both of which are vital in socially responsible entrepreneurship.

The indirect pathway from job self-efficacy to entrepreneurial intention via spiritual intelligence emphasizes the importance of nurturing both competencies simultaneously. While self-efficacy fuels action and initiative, spiritual intelligence ensures that these actions are aligned with meaningful and sustainable goals. Together, they provide a robust foundation for the development of entrepreneurial intention during adolescence.

Given the formative nature of the upper secondary school years, integrating psychological training into educational curricula could significantly impact students' career development. Programs aimed at enhancing both job self-efficacy and spiritual intelligence may serve as effective interventions to foster entrepreneurial mindsets early on. For instance, project-based learning, reflective exercises, and mindfulness practices could all contribute to developing these attributes.

This study's results also have practical implications for educational policymakers. A curriculum that balances technical skill development with psychological growth could help cultivate a generation of resilient, purpose-driven entrepreneurs. Policymakers should consider embedding entrepreneurship education within a broader framework that supports self-belief, emotional regulation, and ethical reflection.

Despite its contributions, the study has several limitations. The reliance on self-report measures may introduce response biases, and the cross-sectional design limits causal inference. Future research should adopt longitudinal or experimental methodologies to better establish causality and explore how these variables evolve over time. Expanding the sample to include students from diverse regions or educational systems would also enhance generalizability.

In conclusion, fostering entrepreneurial intention among adolescents requires more than just teaching business skills. It calls for a comprehensive approach that empowers students with the confidence to act and the wisdom to act meaningfully. This study offers empirical support for the dual role of job self-efficacy and spiritual intelligence in shaping the entrepreneurial aspirations of youth, paving the way for more holistic models of entrepreneurship education.

References

- Abdelfattah, F., Al Halbusi, H., & Al-Brwani, R. M. (2022). Influence of self-perceived creativity and social media use in predicting entrepreneurial intention. *International Journal of Innovation Studies*, 6(3), 119-127. <https://doi.org/10.1016/j.ijis.2022.04.003>
- Allahyar, M. (2020). The mediating role of employee creativity in the relationship between job self-efficacy and entrepreneurship among Birjand's Department of Education staff. *Educational Management and Vision Journal*, 1(4), 14-29. https://www.jmep.ir/article_109431.html
- Asl, N., Dookanei-Fard, F., & Jahangir, P. (2021). A model for predicting emotional divorce based on personality traits and job self-efficacy with the mediating role of perceived social support among employed married women. *Scientific Quarterly of Counseling Research*, 20(80), 316-339. <https://ensani.ir/fa/article/497585/>
- Bachmann, N., Rose, R., Maul, V., & Hölzle, K. (2024). What makes for future entrepreneurs? The role of digital competencies for entrepreneurial intention. *Journal of Business Research*, 174, 114481. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2023.114481>
- Baghersad, V., Zali, M. R., Razavi, S. M., & Banaadaki, S. (2013). The impact of entrepreneurship education on the entrepreneurial intention of technical and vocational students. *Entrepreneurship Development Journal*, 22(1), 36-59. https://jed.ut.ac.ir/article_50796.html
- Cai, B., Chen, Y., & Ayub, A. (2023). "Quiet the Mind, and the Soul Will Speak"! Exploring the Boundary Effects of Green Mindfulness and Spiritual Intelligence on University Students' Green Entrepreneurial Intention-Behavior Link. *Sustainability*, 15(5), 1-21. <https://doi.org/10.3390/su15053895>
- Dina, A. F., Agus, H., & Ely, S. (2020). The effect of spiritual intelligence and emotional intelligence through creativity on entrepreneurial intention. *Russian Journal of Agricultural and Socio-Economic Sciences*, 11, 206-212. <https://doi.org/10.18551/rjoas.2020-11.24>
- Haririzadeh, F., Barzegar Bafrooei, K., & Zandvaniyan, A. (2023). The relationship between time perspective and academic engagement with the mediating role of self-efficacy in students. *Cognitive Science Innovations Journal*, 25(1), 46-59. <https://icssjournal.ir/article-1-1507-en.html>
- Jena, R. K. (2020). Measuring the impact of business management Student's attitude towards entrepreneurship education on entrepreneurial intention: A case study. *Computers in human Behavior*, 107, 106-115. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2020.106275>
- Loi, M., Castriotta, M., Barbosa, S. D., Di Guardo, M. C., & Fayolle, A. (2024). Entrepreneurial intention studies: A hybrid bibliometric method to identify new directions for theory and research. *European Management Review*, 21(3), 581-604. <https://doi.org/10.1111/emre.12599>
- Mahendra, E., Djatmika, T., & Hermawan, A. (2017). The effect of entrepreneurship education on entrepreneurial intention mediated by motivation and attitude among management students, state university of Malang, Indonesia. *International Education Studies*, 10(9), 61-69. <https://doi.org/10.5539/ies.v10n9p61>
- Moraes, G. H. S. M. D., Fischer, B. B., Guerrero, M., Rocha, A. K. L. D., & Schaeffer, P. R. (2021). An inquiry into the linkages between university ecosystem and students' entrepreneurial intention and self-efficacy. *Innovations in Education and Teaching International*, 60(1), 134-145. <https://doi.org/10.1080/14703297.2021.1969262>
- Neneh, B. N. (2022). Entrepreneurial passion and entrepreneurial intention: the role of social support and entrepreneurial self-efficacy. *Studies in Higher Education*, 47(3), 587-603. <https://doi.org/10.1080/03075079.2020.1770716>
- Othman, A. K., Ismail, N. A., Hamzah, M. I., Hassan, L. F. A., Demong, N. A. R., & Omar, E. N. (2020). Moderating Effect Of Locus Of Control On Spiritual Intelligence And Entrepreneurship Orientation. *European Proceedings of Social and Behavioural Sciences*, <https://www.europeanproceedings.com/article/10.15405/epsbs.2024.05.18>

- Rani, A., & Sharma, S. (2020). Occupational Stress in Relation to Teacher Self-Efficacy and Spiritual Intelligence of Women Teachers. *Bioscience Biotechnology Research Communications*, 13(4), 2217-2225. <https://doi.org/10.21786/bbrc/13.4/89>
- Raqib, M. S., Seyadat, S. A., Hakimi-Nia, B., & Ahmadi, S. J. (2010). Validation of King's Spiritual Intelligence Scale among students of the University of Isfahan. *Journal of Psychological Achievements*, 17(1), 141-164. https://psychac.scu.ac.ir/article_11676.html?lang=en
- Rashidi, N., Seydi, M. S., & Rashidi, A. (2021). The effect of strengths-based career counseling on career exploration, self-efficacy, and dysfunctional career beliefs among unemployed female graduates. *Scientific Quarterly of Counseling Research*, 20(80), 265-287. <https://doi.org/10.18502/qjcr.v20i80.8491>
- Rasouli, A., & Tajik, A. (2017). The causal relationship of career adaptability, psychological capital, and spiritual intelligence with the mediating role of job self-efficacy among students. *Quarterly Journal of Career and Organizational Counseling*, 9(33), 33-48. <https://ensani.ir/fa/article/404412/>
- Safari Jafarloo, H., Ghorbani, M. H., & Zareian, H. (2017). Modeling the impact of spiritual intelligence and attitudes toward entrepreneurship on entrepreneurial intention among sports science students. *Sport Management Studies Journal*, 9(46), 213-230. https://smrj.ssrc.ac.ir/article_1085.html
- Shafiabadi, A. (2024). *Career guidance and counseling and theories of occupational choice*. Roshd Publications.
- Sherkat, M., Kalantari, M., Azarbaijani, M., & Abedi, M. R. (2020). The effectiveness of spiritual intelligence training on spiritual intelligence, psychological well-being, anxiety, and depression in students. *Psychological Science Journal*, 19(88), 483-493. <https://psychologicalscience.ir/article-1-682-fa.html>
- Sklett, V. H., Lorås, H. W., & Sigmundsson, H. (2018). Self-Efficacy, Flow, Affect, Worry and Performance in Elite World Cup Ski Jumping. *Frontiers in psychology*, 9, 1215. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.01215>
- Soofi, L., & Deylami, S. (2022). The role of entrepreneurship education, self-efficacy, and subjective norms on entrepreneurial intention in the tourism industry (Case study: Students' perspectives at the Faculty of Tourism, University of Science and Culture). *Tourism and Leisure Studies Journal*, 7(13), 51-65. https://tlj.usc.ac.ir/article_152298.html?lang=en
- Upadhyay, S., & Upadhyay, N. (2016). A Multi-Criteria Decision Framework to Measure Spiritual Intelligence of University Teachers. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2016.07.150>
- Wardana, L. W., Narmaditya, B. S., Wibowo, A., Mahendra, A. M., Wibowo, N. A., Harwida, G., & Rohman, A. N. (2020). The impact of entrepreneurship education and students' entrepreneurial mindset: the mediating role of attitude and self-efficacy. *Heliyon*, 6(9), e04922. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e04922>
- Yousaf, U., Ali, S. A., Ahmed, M., Usman, B., & Sameer, I. (2021). From entrepreneurial education to entrepreneurial intention: a sequential mediation of self-efficacy and entrepreneurial attitude. *International Journal of Innovation Science*, 13(3), 364-380. <https://doi.org/10.1108/IJIS-09-2020-0133>